

پژوهش های

ایـــــــران شنـــــاسی

پـرســـش و پـاســـخ

پیرامون پیشینه ی تاریـخی فرهنگی تمـدنی ایران

******

گزیده ی مقالات وبگاه ایران شناسی

طاعون چپ در ایران

www.iranologi.blogfa.com

سال های

۱۳۸۶-۱۳۹۲

نوشته ی دکترمحمودرضاافتخارزاده

IRANOLOGY11@GMAIL.COM

طـــاعـــون چـــپ در ایــــــران

نگارش این مقاله : آذر۱۳۸۷خورشیدی/ویرایش : دی۱۳۹۰خورشیدی

پرسش:

در سراسر این وبلاگ از«چپ زدگی » ، « بلای چپ زدگی » ، « طاعون چپ زدگی » و... یاد کرده اید . می شود معنای«چپ»و «چپ زدگی »و «تاریخچه چپ زدگی » را به اجمال بیان فرمایید ؟

پاسخ:

یادآوری!اصطلاح" چپ" در ادبیات سیاسی جهان دارای معانی تعریف شده ای است . اما منظور من از بیماری ، بلا یا طاعون چپ ، هرگونه پندار ، اندیشه و باوری است که با سنت های استوار و بنیان های متین فرهنگ ملی و هویت قومی ایرانی ناساز گار ودر ستیز بوده و هست ! مقاله ی زیر ، گزیده ای است از یک پژوهش گسترده که در دهه ی شصت خورشیدی به انجام رسانده بودم.

پیشینه تاریخی طاعون چپ درایران

(۱)

..."منابع مارکسییسم مدعی اند که پیش از نهضت مشروطیت)۱۹۰۵-۱۹۱۱(، آثار مارکسیستی از راه ایران) تبریز **(وارد روسیه می شد و کتاب هایی از برلین به مقصد تبریز ارسال می شده است .**ن.ک : غفوروف/لنین۳۷-۳۳ **.به گفته ی بازرگان" در آن زمان غیر از افکار ماتریالیسم ...خوراک دیگری به جوانان درس خوان مملکت عرضه نمی شد "** ن.ک :بازرگان/ مدافعات ۱۲۴ **.بنا بر این ابتکار عمل در دست ایدیولوژی جوان وتازه نفس و بی رقیب یعنی مارکسیسم بود. این ایدیولوژی جدید آشکارا و کارا از سال۱۳۱۲خورشیدی عرصه فرهنگی جامعه را تسخیر نمود و نبرد تاریخی خویش را با فرهنگ ، هویت و نهاد های ملی و معنوی ایران آغاز کرد و بی هیچ مانعی بر سر راه پیش می تاخت . رهبران این ایدیولوژی در نخستین نشریه تبلیغاتی خویش اعلام کردند که آنان " در مسایل علمی ، صنعتی ، اجتماعی و هنری از نظر اصول مادی بحث " می کنند و قصد دارند " فکر خواننده خود را با درجه تمدن امروزی بشر آشنا" کنند و " مرتبا جریان تکامل این تمدن رانشان "دهند.**ن.ک :دنیا/۱/۱/۱/۱۱/۱۳۱۲.ص۱و۲ **.آنان در نخستین شماره ی نشریه ی خود علاوه بر تحلیل تمدن و تحول بر اساس اصول ماتریالیسم تاریخی ، به نقد و نفی و نبرد با فرهنگ ملی ایران پرداختند و نامش را "نبرد با ایده آلیسم و عقاید پوسیده آن" گذاشتند.** ن.ک : همان. **این در حالی بود که چپی ها تا پست وزارت فرهنگ و صنایع و... راه یافته بودند.** ن.ک : بازرگان/پیشین ۱۲۰ **.منابع مارکسیسم خاطر نشان می سازند که" شالوده ی سازمان سوسیال دموکراسی در ایران) اجتماعیون عامیون (به**

دست" جمعیت همت" ریخته شد .این جمعیت در سال ۱۹۰۴) یک سال پیش از انقلاب مشروطیت ایران (از طرف سوسیال دموکرات های باکو برای کار)فکری(در میان کارگران ایران تشکیل گردید و حلقه ی واسطه میان کارگران ایران و حزب سوسیال دموکرات کارگری بلشویک روس بود " ن.ک : کامبخش/تاریخ۱۷.مورخان مارکسیست تاکید دارند که صدور اندیشه انقلابی از آن سوی مرزها به واسطه ی مهاجرت و معاودت کارگران ایرانی صورت گرفته است. ن.ک : کامبخش /همان+۱۴-۱۳ ابراهیموف/پیدایش حزب کمونیست ایران ۲۴۵-۲۴۰.+مقایسه کنید : بازرگان/پیشین ۳۲۴ .این همکاری پرولتری به اندازه ای است که " عده ی قابل توجهی از سوسیال دموکرات های بلشویک قفقاز در بحبوحه ی انقلاب مشروطیت به ایران شتافتند " و بنا به گزارش ۳ فوریه ۱۹۰۷ سفیر روسیه در ایران"رابطه ی انقلابیون ایران به ویژه نواحی مرزی گیلان و آذربایجان با کمیته های قفقاز بدون شک برقرار"بوده و"شب نامه های فراوانی"که در ایران "با شعارهای عدالت ،آزادی ، مساوات منتشر" می شد در" چاپ خانه انقلابی شهر باطوم طبع" می گردید.ن.ک : کامبخش/پیشین ۱۶ .مورخان مارکسیست مدعی اند که سوسیال دموکرات های روس به انقلاب مشروطیت ایران کمک ارزنده ای کرده اند و "عده ای از آنان بطور مستقیم در مبارزه شرکت کردند" ن.ک : کامبخش/ پیشین ۲۵ +غفوروف/پیشین ۴۱-۴۷ .یک مورخ مارکسیست از فردی به نام "سر کی ارژنیکیده" نام می برد که در" راس عده ای قرار داشت و فعالیت دامنه دار سیاسی انجام می داد و به هنگام توقف درگیلان قسمتی از مانیفست مارکس و انگلس را به فارسی ترجمه کرد "ن.ک :کامبخش/ پیشین.+غفوروف/پیشین .از این رو انقلاب مشروطیت در ایران به باور مارکسیست ها " نخستین انعکاس انقلاب روسیه درخاور " می باشد .ن.ک : کامبخش/پیشین۱۴.هرچند که مورخان غربی می نویسند :"احزاب سیاسی رسمی از قبیل دمکرات ، اتحاد و ترقی ، اعتدالیون و... فقط از دوره ی دوم مشروطیت پدیدار گشتند... در دوره اول مشروطیت ، یگانه حزب متشکل ،سوسیال دموکرات بوده و "مجاهد" ارگان مطبوعاتی آن در تبریز انتشار داشت ."ن.ک :براون/ تاریخ ادبیات۲/۱۶۱.+ کامبخش۱۸-۱۷ .رهبران اولیه چپ در ایران مدعی اند که " کوشش های رضا خان" در دوران پیش از سلطنت که "برای جلب افکار عمومی از طریق تظاهر به آزادی خواهی و دموکراسی" صورت می گرفت"تسهیلاتی برای کار حزب فراهم می آورد". ودر سایه همین تسهیلات بود که " حزب کمونیست ایران در سال ۱۹۲۰ بر اساس حزب عدالت تشکیل شد " و در نخستین کنگره حزبی که از۲۲ تا ۲۴ ژوین ۱۹۲۰ در انزلی تشکیل گردید" نام حزب را به حزب کمونیست ایران تغییر دادند"ن.ک : کامبخش/ پیشین۲۹ .بدین سان نخستین نهاد تشکیلاتی چپ در ایران پدید آمد.فعالیت های فرهنگی تشکیلاتی چپ در ایران چشم گیر بود . چراکه نسل جوان جامعه را یکجا بلعید و زقوم خویش را در کام نسل نوخاسته ریخت : "مترقی ترین نیروها که جویای راه انقلابی تری بودند رفته رفته خودرابه حزب کمونیست ایران نزدیک کردند"ن.ک : کامبخش/ پیشین ۲۹-۲۸.در سال های۱۳۰۶-۱۲۹۹خورشیدی روزنامه ی "حقیقت" با شعار " رنجبر روی زمین اتحاد" آغاز به کار کرد. درسال ۱۳۰۰خورشیدی روزنامه ی" کار"و روز نامه ی "پیمان درآمدند و ارگان رسمی چپ گردیدند. هفته نامه "خلق" به چاپ الفبای کمونیسم اقدام کرد. مجله "جرقه" به تحلیل مارکسیستی مسایل سیاسی اقتصادی پرداخت . این روز نامه ها " در زمینه ی تبلیغات و تشکیلات حزب و بسط افکار و عقاید مارکسیستی و تربیت سیاسی عناصر پیشروی طبقه ی کارگر وجلب روشنفکران به سوی حزب و برقراری رابطه با توده ها نقش مهمی بازی کردند"ن.ک : کامبخش/پیشین۲۹-۲۷. + کشاورز/من متهم می کنم۳۵ .+ایوانف/تاریخ نوین -۴۰-۴۲و۳۰-۲۹.+ابراهیموف/پیشین۲۴۵-۲۴۰.مرحله ی نخست فعالیت فرهنگی چپ تا سال ۱۳۰۶ خورشیدی ادامه داشت. بدین سان بذرشوم چپ پاشیده شد و شجره خبیثه مارکسیسم رویید و زقوم های تلخ خویش را به بار می آورد .مرحله ی دوم فعالیت چپ در ایران با انتشار نشریات برون مرزی حزب در میان دانشجویان اعزامی به اروپا آغاز شد .در سال۱۳۰۶ خورشیدی روزنامه "پیکار"

در برلن و مجله" ستاره سرخ" در وین انتشار یافت . در این مرحله از فعالیت فرهنگی سیاسی که تا سال ۱۳۱۰ خورشیدی ادامه داشت چپ ایران در قالب حزب کمونیست موفق شد تا اعتصاب های کارگری رابا خواسته های صنفی سیاسی در تهران و شهرستان ها ترتیب دهد. گویا همین اقدامات بود که مجلس شورای ملی در خرداد ماه ۱۳۱۰خورشیدی قانون ضد کمونیستی را تصویب کرد:"رضاشاه حزب اجتماعیون و هرگونه حزب سیاسی را قدغن کرد."ن.ک : کامبخش/پیشین۳۰ ۳۵-.+ ایوانف/پیشین۴۲-۴۱ .واین پایان مرحله دوم فعالیت چپ در ایران بود.

طاعون چپ در ایران

(۲)

مرحله سوم فعالیت چپ در ایران با انتشار مجله" دنیا" به مدیریت" ارانی" آغاز شد.این مرحله مخرب ترین دوره فعالیت چپ در ایران است .در این دوره ی سیاه ، یورش گسترده ی ویرانگر فرهنگی فلسفی ماتریالیستی چپ آغاز شد و نوباوگان بیشتزی به سراب و چاه چپ درافتادند و پرپر شدند .در همین دوره سیاه بود که حزب شیطانی و سرسپرده" توده "برآمد. در این دوره از یورش ماتریالیستی ، نهادهای ملی و معنوی ایران هدف قرار گرفت ." ارانی "با نگارش زهرآگین ترین مباحث به اصطلاح فلسفی ، اذهان نسل ساده و صادق این سرزمین را مسموم کرد و دامی بزرگ گسترد و ماهی بسیار صید کرد.در این دوره بود که نطفه های مرتدان ملی وشورشیان بعدی ریخته شد.در این دوره بود که طاعون چپ ، نهادهای ملی و معنوی ایران را آلود و زمینه های دراز مدت چپ زدگی و چپ گرایی را فراهم ساخت.ارانی و همدستان اش چون شیادانی حرفه ای با بهره گیری از همه ی ترفند های مجرب مارکسیسم ، به جان فرهنگ معنوی اخلاقی اسطوره ای ایران افتادند و شعار می دادند که : " قرن بیستم عصر فتح قطعی ماتریالیسم است " چرا که برگسون گفته : "مذهب ، باوری استاتیک است و ماتریالیسم ، واقعیتی دینامیک " و اشپنگلر فرموده : "انحطاط اروپا در اعتقاد به قضا و قدر بوده است " و نتیجه می گرفتند که : "کهنه پرستانی که اشعار و احادیث و اخبار گذشته را محتوای جمیع پیشرفت ها و اکتشاف های جدید می دانند مجنون اند " .ن.ک : دنیا۱۱۰-۱۰۹/۴ .+ ارانی/پسیکولوژی۲۸۰-۲۷۱.+دنیا ۱۰/۳۲۱.ارانی با طرح ماتریالیسم فلسفی و تشریح اصول دیالکتیک ، همان کاری را کرد که آن شیاد بیسواد برای ساده دلان مار می کشید و می گفت : م ا ر است!!جاذبه های کاذب ماتریالیسم فلسفی و تاریخی که مبتنی بر آگاهی کاذب بود "روشنفکر" می ساخت و شیفتگی و شیدایی می آفرید !! تا آنجا که وسوسه در دل مذهبی ها افکند تا دست به کار شده از نهضت روشنفکری مارکسیسم عقب نمانند و کم نیاورند.بدین سان بود که روند دنیوی سازی دین آغاز شد. کتاب های "باد و باران در قرآن" و" راه طی شده" و...پیامد رقابت وانفعالی بود که مذهبی ها در برابر چپ داشتند. مذهبی ها ی درس خوانده کوشیدند تا با ابزار تنگ وتاریک و باریک علم وعقل و تاریخ و تحلیل و تاویل و تفسیر و توجیه به جان مقولات معادی اسطوره ای دین بیفتند.همین روند بود که سرانجام به ایدیولوژی سازی دین انجامید و از دل این آش شله قلمکار، دار و دسته های تبهکارمسلح برآمدند تا از چریک های چپ عقب نمانده باشند!

شامـــلو در تــــــرازو!

نگارش و نمایش نخست: دیماه ۱۳۸۹ خورشیدی

ویرایش و نمایش دوم : آبان ماه ۱۳۹۱ خورشیدی

پرسش:

با سلام ! شما در هيچيك از نوشته هايتان درباره تاريخ ، فرهنگ و ادبيات ايران اشاره اي از دور يا نزديك به آقاي احمد شاملو نداشته ايد و اين براي من به عنوان دانشجوي ادبيات كه آثار ادبی و تاريخي شما را ديده ام جاي شگفتي است!! شما كه به تاريخ و فرهنگ ايران آشنا بوده و دستي در ادبيات كلاسيك ايران داريد و همچنين «شرح لغات و اصطلاحات ديوان حافظ» و «تدوين موضوعي شاهنامه» را در كارنامه خود داريد، درباره مقدمه آقاي شاملو بر ديوان حافظ و سخنان او درباره فردوسي چه نظري داريد؟ آيا سخنان وي را قبول داريد و يا خير؟ لطفا در مورد صحت و سقم مطالب ايشان، من و ساير دوستانم را راهنمايي فرماييد. با تشكر و سپاس!

پاسخ:

در دهه ی شصت خورشیدی که سخنی از نامبرده در باره ی« فردوسی و شاهنامه و تاریخ ایران باستان(داستان بیوراسپ یا اژی دهاک) »دریکی از مجلات چاپ شده بود به فوریت پاسخی نوشتم که آن مجله از چاپ آن نوشته خوداری کرد . اما این که در نوشته هایم به فرد یادشده اشاره ای نشده ، بدیهی است که نوشته های ادبی تاریخی من به تاریخ و ادبیات معاصرایران نپرداخته تا به این مناسبت اشاره یا یادی از نامبرده و آثار او شده باشد! لیک همه ی آثار آن زنده یاد را خوانده ام به ویژه « مقدمه ی حافظ شیراز » و متن سخنرانی او را در «دانشگاه برکلی آمریکا »با دقت و حوصله خوانده ام ! آن زنده یاد یکی از قربانیان طاعون طولانی هفتاد ساله ی «چپ» درایران بود! سزد که بدانی اصولا خاستگاه روشنفکری ایرانخاستگاهی چپ بوده و هست! طاعون مرگبار و ویرانگری که تنها به طعمه های خویش بسنده نکرد و به ساحت معنویت ایرانی تاخت و همه ی کانون های معنوی و اخلاقی ایران را آلوده و تباه ساخت ! آری آن زنده یاد دچار قانقاریای چپ زدگی شده بود و «جهان و تاریخ» را از روزنه ی تنگ و تاریک و قالبیماتریالیسم فلسفی و تاریخی مارکسیسم می دید و مانند همه ی روشنفکران جهان سوم عموما و ایران خصوصا ، آن را «جهان بینی علمی » می پنداشت و می نامید ! از این رو مانند همه ی مارکسیست های درون و برون میهن و بنا به آموزه های مارکسیسم ، تاریخ را بر اساس منطق دیالکتیک، تحلیلی ماتریالیستی طبقاتی می کرد ! اگر به میراث هفتاد ساله ی چپ در ایران بنگری درخواهی یافت که همه یچپ زدگان مارکسیست ، هم صدا و هم جهت با یک رسالت ، به تحریف و تخریب تاریخ و فرهنگ ملی ایرانپرداخته اند ! از فرآورده های حزب توده(از ارانی تا تبری) بگیر تا دستارودهای مارکسیست لننیست ها ومائوئیست ها و....در دهه های چهل و پنجاه خورشیدی در قالب فدائی و پیکاری و طوفانی و مجاهدی و فرقانی و آرمانی و....بی گمان در این

ویرانگری و تباه سازی رهنمودهای حزب کمونیست شوروی و میراث فلسفی چپِ غرب راهنمای چپ در ایران بوده است ! دهه ی پنجاه خورشیدی نقطه ی اوج آشوب چپ در ایران بود ! در این آشوب خشن فرهنگی تلاش برآن بود تا فرهنگ ملی و تاریخ ایران تحلیل و تفسیری ماتریالیستی شود و شد ! در این یورش همه سویه ، نه تنها تاریخ سیاسی اجتماعی ایران تحلیلی مارکسیستی می شد ، بلکه آیین و فرهنگ و عرفان ایران نیز تفسیری ماتریالیستی شد ! همه ی معنویت ایرانی به بازی دنیوی و مادی گرفته شد ! فرایند این طاعون فرهنگی چپ این بود که«علی میر فطرس»(یکی از قربانیان طاعون چپ) ،« حلاج »را یک ماتریالیستِ ملحدِ مبارزِ چریک معرفی کرد! و آن یکی که نامش از یادم رفته«طریقت عرفانی حروفیه» سده ی نهم و دهم مهشیدی(= قمری) را «نهضت چریکی حروفیه » معرفی نمود ! بدیهی بود تا شاملو «حافظ» را یک ملحدِ ماتریالیستِ ضدِ معنویت معرفی کند و برای«حافظ »متاسف باشد که«جهان بینی علمی»نداشته اگر نه یک ماتریالیست مارکسیست دو آتشه می شد ! تمام سخن شاملو در مقدمه ی« دیوان حافظ »همین است و تمام کوشش او دردستکاری و تحریف« دیوان حافظ» با همه ی صحنه سازی های« تحقیقی علمی» و آن همه آه و آخ های دلسوزانه در هیئت و هیبت« دانای زمانه» و اشک تمساح ریزی برای همین است ! چرا مارکسیسم به سراغ عرفان ایرانی وشاهنامه رفت ؟ زیرا می دانست که دست پروردگا نش در قلمرو«آیین» کارشان را می کنند و تفسیر ماتریالیستی دین (توسط روشنفکران چپ زده ی مذهبی) به انجام رسیده بود !« دیوان حافظ» تالی تلو« قرآن» بود که در خانه ی هر ایرانی و به تعبیر زنده یاد شاملو در تاق خانه ی قشری ترین فرد ایرانی در کنار قرآن قرار داشت و بی گمان بستر خوبی بود برای کشت و ورز بذر«ماتریالسم فلسفی»تا حافظی که در ژرفای باور و ایمان ایرانی عارفی است مقدس و متعالی و الهام بخش «معنویت ناب ایرانی»، یک ماتریالیست ملحد بی بند و باری معرفی شود که از برکت «جهان بینی علمی مارکسیسم»و همت« نابغه ای تاریخ شناس و همه چیز دانی!!» چون شاملو شناخته شده و ازلابلای تحریف تاریخ درآورده شده و برتاق خانه ی هر ایرانی نهاده شده ! شاهنامه نیز که به دلیل نفرت از «شاه» از تاخت و تاز «چپ» نسبتا مصون مانده بود باید تفسیر و تحلیلی ماتریالیستی تاریخی طبقاتی می شد ! چراکه شاهنامه؛ شناسنامه و شناسه ی ملی ایرانی است و هر ایرانی از شاهنامه هویت و اعتبار می گیرد که در آن گذشته به حال و آینده ی ایرانی پیوند می خورد و این یعنی «هویت» ! باید که در این« سند هویت »دستکاری و تحریف روا داشت تا ایرانی از ریشه اش بریده شود و معلق گردد تا شکار ش آسان باشد! بی گمان ورود به مباحث اساطیری شاهنامه زمینه ی مناسبی برای جولان «منطق دیالکتیک» بود و می شد براساس ابزار« تز و آنتی تز وسنتز» اسطوره ی«اژی دهاک یا ضحاک »را در تخته نرد دیالکتیک ریخت و بازی جالبی را ارایه کرد که برد با ماتریالیسم تاریخی و مارکسیسم باشد ! در این نمایش تبلیغاتی تحریفاتی باز شاملو در سیمای« دانای زمانه » ظاهر می شود و با هیئت و هیبتی مسلط ، شعبده بازی شگفتی را به نمایش می گذارد و آه ِحیرت و حسرت را از نهاد نسلِ بی هویت ، بی دانش و بیگانه با تاریخ و فرهنگ ایران در می آورد ! بی گمان پیش از شاملو نویسندگان کمونیست روس از« مانی و مزدک» چنین تحلیلی ماتریالیستی داشته اند ! که برخی از آن فرآورده ها به فارسی ترجمه شده است ! به هر روی این رسالت و ماموریت زنده یاد شاملو بود که اگر نه بنا به یک دستور حزبی و سازمانی لیک بی گمان بنا به رسالت مارکسیسم به انجام چنین ماموریتی پرداخته است ! البته ریشه و پیشینه ی عقده های مزمن فَعلَه زادگی و عَمَله زادگی را در انتقام ناخودآگاه و خودآگاه از اشرافیت سیاسی تاریخی ایران نباید از یاد برد !



اَلـدِّراسـاتُ الايــرانيِّــة

اَسْــئلة و اَجْــوبَـــة

حَوْلَ خَلْفيّةِ ايرانَ اَلتّاريخيّة والثّقافيّة والْحضاريّة

****

IRANOLOGY

QUESTION & ANSWER

About historical , cultural & civilizational background of Iran

By:

Dr.M.R.Eftekharzadeh

IRANOLOGY11@GMAIL.COM